



## نظریه‌ی ارتباط‌گرایی ضرورتی قابل تأمل جهت متناسب کردن محیط یادگیری با

### تیپ‌های شخصیتی MBTI

۱مهدی عطار، ۲زهرا یارایی، ۳مریم کارگر

۱آموزش و پرورش ، mehdattar13722@gmail.com

۲آموزش و پرورش ، mehdattar13722@gmail.com

۳آموزش و پرورش ، mehdattar13722@gmail.com

#### چکیده

وجود آدمی همواره در جست و جوی شناخت است. به همین خاطر فضاها و ساختارهای آموزشی ما باید متناسب با درک تازه ما از دانش، سبک حرکت دانش، جریان و رفتار دانش هماهنگ شود. هدف از این مقاله بررسی و تحلیل نقش نظریه‌ی ارتباط‌گرایی جهت متناسب کردن محیط یادگیری با سبک‌های MBTI است. روش کار مروری نظام مند بوده و نویسنده با استناد به منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر به تجزیه و تحلیل این امر پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان داد؛ لازمه‌ی نوآوری و رشد مداوم برقراری ارتباط است. از این رو نظریه‌ی ارتباط‌گرایی می‌تواند نقش مهمی جهت متناسب کردن محیط یادگیری با سبک‌های MBTI ایفا کند. بر همین اساس الگویی که نگارنده مقاله پیشنهاد می‌دهد؛ ایجاد شبکه‌ای بین اساتید، معلمان و دانشجو معلمان پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان جهت متناسب کردن محیط یادگیری با سبک‌های یادگیری MBTI است.

واژه‌های کلیدی: ارتباط‌گرایی، تیپ‌های شخصیتی MBTI، محیط یادگیری، دانش شبکه‌ای.

#### ۱- مقدمه

جۆی که دانش در آن رخ می‌دهد، و همچنین ویژگی‌ها و جریان دانش تغییر کرده است. رشد فزاینده اطلاعات و کاهش نیمه عمر دانش، ایجاب می‌کند تا دانش‌آموزان و دانشجویان در یک فرایند پویا و مادام‌العمر یادگیری درگیر شده و به طور مداوم دانش و اطلاعات خود را در طول زندگی توسعه دهند. تحقق چنین امری را از الگوهای خطی متداول نمی‌توان انتظار داشت. تحولات همه‌جانبه در زمینه فناوری‌های تعلیم و تربیت را به عنوان بخش مهمی از جامعه با چالش‌های جدیدی مواجه ساخته است. به همین خاطر پژوهشگران برای پاسخگویی به این شرایط به خلق نظریه‌های جدید مبادرت کرده‌اند. جورج زیمنس نظریه پرداز کانادایی در سال ۲۰۰۵ با ارائه‌ی نظریه‌ی ارتباط‌گرایی در بسیاری از محافل دنیا مورد توجه قرار گرفت. او در کتاب خود به نام دانش یادگیری سعی کرد تا وضعیت بی‌ثبات و سیال دانش را در عصر دیجیتال نشان دهد. به زعم نویسنده کتاب، با ظهور و فراگیر شدن رسانه‌های دیجیتال، شبکه‌ها و دنیای مجازی، شیوه‌های تولید و توزیع دانش، شیوه‌های اعتبارسنجی دانش و همچنین ویژگی‌های دانش دگرگون شده است؛ و این در حالی است که ذهنیات ما و شیوه‌های یاددهی - یادگیری ما هنوز به عصر صنعتی تعلق دارد. نفوذ و توسعه فناوری برای هدایت تدریس و فعالیت‌های یادگیری در امر آموزش محیط جدیدی را برای یادگیری ایجاد کرده است که در این زمینه دانشگاه فرهنگیان به عنوان مرکز آموزش دانشجو معلمان نقش مهمی در روزآمدی معلمان ایفا خواهد کرد. به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند آموزش، همزمان با تحول در رویکردهای آموزش در جهان، زمینه شکل‌گیری شیوه‌های نوین یاددهی - یادگیری را فراهم آورده است. در دانشگاه فرهنگیان، فرایندهای یاددهی - یادگیری می‌بایست تقویت شود و محیط تعاملی یکپارچه برای ارتقای مهارت‌های کلیدی دانشجو معلمان با تکیه بر فعالیت‌های گروهی، در عصر دانایی محور فراهم شود. از آنجا که در حال حاضر معلم محوری پایه آموزش و پرورش در کشور می‌باشد، به روزکردن معلمان، استفاده از فناوری‌های روز، برخورداری از خلاقیت‌های نوین در آموزش و پرورش و نیز اهمیت دادن به توانایی‌های دانشجو معلمان، لازمه‌ی این تحول می‌باشد. دانشگاه فرهنگیان دانشگاهی است: برای تأمین، تربیت و توانمندسازی منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش (ماده ۱ اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۰). ورود به عصر اطلاعات و رواج فناوری‌های مبتنی بر شبکه‌های جهانی و رایانه‌ها سبب پدید آمدن محیط‌های جدید یادگیری به شکل رسمی و غیر رسمی شده است. در مدارس هوشمند دانش‌آموزان می‌توانند انبوهی از اطلاعات را در جهت یادگیری بیشتر استفاده کنند. دانش‌آموزان حتی می‌توانند با منابع علمی جهان و معلمان و بچه‌های مدارس دیگر ارتباط برقرار کنند. یکی از مسائلی که در کشور ما باید مورد توجه قرار گیرد ارائه‌ی تعریفی نو و تازه از دانش و یادگیری بر اساس مبانی معرفت‌شناختی نظریه‌های نوین است. باید با بازکردن تحولی طرح هوشمند سازی در جهان امروز، کتاب‌های درسی ما با توجه به پیشرفت‌های علمی و فناوری و نیازها و مهارت‌های



زندگی امروز تغییر می یابد و با تنوع در رسانه‌های آموزشی و متنوع‌سازی فضا و محیط‌های یاددهی و یادگیری در برنامه درسی ملی این امکان را فراهم خواهد ساخت تا دانش‌آموزان و معلمان تجرب جدیدی را در حوزه ی دانش و پژوهش کسب نمایند. هدف از هوشمندسازی مدارس تربیت دانش‌آموزانی پژوهش‌محور و پژوهشگر می باشد و به کارگیری دانش و فناوری برتر زمینه ساز تربیت مدیران فردای میهن اسلامی می باشد (هوشمندسازی مدارس، ۱۳۹۰). در مدارس هوشمند دانش‌آموزان با بهره گیری از اینترنت به منابع عظیم اطلاعاتی دسترسی دارند و در صورت نیافتن پاسخ سوالات خود علاوه بر معلم کلاس، با دیگر معلمان و دانش‌آموزان ارتباط برقرار می کنند. این مدارس نسبت به مدارس سنتی از فناوری های اطلاعاتی بیشتری استفاده می کنند. محتوا به شیوه الکترونیکی ارائه شده و معلم نقش راهنما را دارد. در این مدارس سعی بر این است به کمک فناوری‌های جدید معضلات و مشکلات آموزشی اعم از مشکلات مربوط به کمبود سواد رایانه ای، سواد اطلاعاتی، مشکلات مربوط به روش های سنتی تدریس معلم حل شود (زمانی و همکاران، ۱۳۸۹). تجربه های علمی و عملی نشان داده است که آنچه موفقیت کشورها را به دنبال داشته است نیروی انسانی کارآمد در زمینه های مورد نیاز است. بخشی از این نیروی انسانی را معلمان تشکیل می دهد. ارتقای سطح دانش همراه با مهارت در زمینه فن آوری اطلاعات می تواند نیروی انسانی مورد نیاز را در اختیار مدارس هوشمند بگذارد و از سویی این گروه می تواند اثرگذاری خود را در مخاطبین اصلی یعنی دانش‌آموزان دو چندان نماید. بدون تردید، یادگیرندگان دارای شیوه‌های یادگیری متفاوت هستند و ترجیحاً بر انواع مختلفی از اطلاعات تمرکز دارند و تمایل دارند که طبق اطلاعات درک شده به شیوه‌های مختلفی عمل نمایند و به میزان مختلف فهم و درک خواهند داشت. هماهنگی و ناهماهنگی بین روش‌های تدریس مدرسان و روش‌هایی که یادگیرندگان یاد می‌گیرند، موجب پیامدهای مهمی در میزان رضایت‌مندی آن‌ها خواهد داشت. یادگیرندگانی که سبک‌های یادگیری‌شان با سبک‌های تدریس منطبق است، اطلاعات را به مدت طولانی‌تر حفظ کرده و آن‌ها را به طور اثربخش‌تر به کار می‌گیرند (خشنودی‌فر و همکاران، ۱۳۹۳).

نظریه تیپ‌های شخصیتی یا ریخت‌شناسی یونگ، یکی از جامع‌ترین نظریه‌هایی است که در تبیین شخصیت افراد به کار رفته است. بر اساس نظریه یونگ، وقتی ذهن فعال است یا اطلاعات را دریافت و درک می‌کند یا آن‌ها را سازماندهی و در موردشان نتیجه‌گیری و داوری می‌کند. بنابراین برای دریافت اطلاعات دو راه متفاوت وجود دارد که یونگ آنها را حسی و شهودی نامید و شیوه‌های متفاوت داوری را فکری و احساسی نام‌گذاری کرد (آهنگی و همکاران، ۱۳۸۸).

مایرز و بریگز توانستند بر اساس مطالعات یونگ، چهار جفت ترجیح ضد هم را تعیین نمایند. ترجیحات در نظر گرفته شده توسط مایرز-بریگز به ترجیحات انرژی دهنده، جمع‌آوری اطلاعات، تصمیم‌گیری و سبک زندگی تقسیم می‌شوند ترکیب‌های مختلف از این چهار بعد، تیپ های شانزده گانه شخصیت (MBTI) را تشکیل می دهد (محمودی میمند و همکاران، ۱۳۹۱). رضایی راد و همکارانش (۱۳۹۱)، محمودی و همکارانش (۱۳۸۷) و کاپونن (۲۰۰۸) در پژوهش های خود به شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر توسعه دانش و یادگیری در آموزش پرداخته‌اند. همچنین رضایی و همکاران (۱۳۹۰) به نقش نظریه‌ی ارتباط‌گرایی در طراحی دروس دانشگاهی اشاره کرده است. در تمام این پژوهش‌ها مسئله‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد ارائه‌ی تعریفی از دانش و یادگیری متناسب با سبک‌های یادگیری و وضعیت بی ثبات و سیال دانش در عصر دیجیتال است.

نویسنده در این مقاله درصدد بررسی و تحلیل نقش نظریه‌ی ارتباط‌گرایی جهت متناسب کردن محیط یادگیری با سبک‌های یادگیری MBTI است؛ که در چند سال اخیر مورد اقبال پژوهشگران قرار گرفته است.

### روش تحقیق

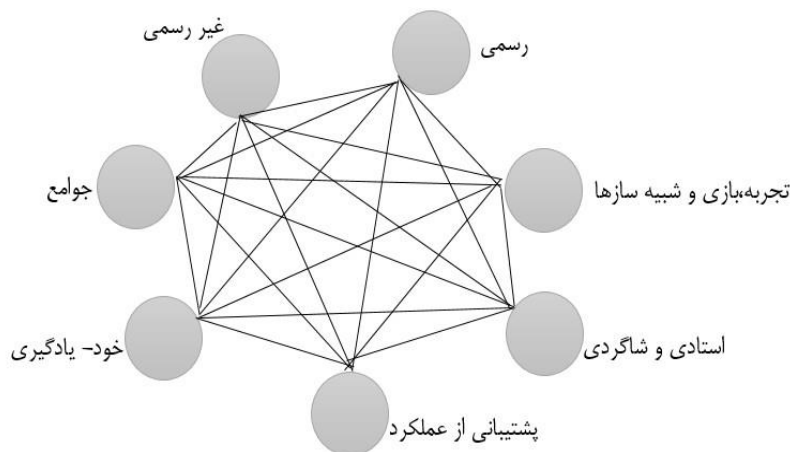
این پژوهش از نوع مقالات مروری نظام مند می باشد؛ که بنابر هدف گذاری اولیه به بررسی مقالات و پژوهش های انجام شده در زمینه‌ی تحلیل نقش نظریه‌ی ارتباط گرایی در ارتقاء کیفیت دانش و یادگیری در دانشگاه فرهنگیان و ارائه ی تعریفی از دانش و یادگیری متناسب با وضعیت بی ثبات و سیال دانش در عصر دیجیتال می پردازد. پژوهش از طریق مراجعه به متون کتابخانه ای و پایگاه های اطلاعاتی معتبر در بازه ی زمانی فروردین ماه ۱۳۹۶ تا پایان خرداد ماه ۱۳۹۶ انجام گرفت. محقق با بهره گیری از موتورهای جستجوگر Google scholar, Google, Elsevier, Science Direct, Springer, Web of science و پایگاه های اطلاعاتی منبع و مجلات الکترونیکی همچون SID, Magiran, ISC و Srlst, با استفاده از عملگرهای بولی NOT, OR, AND و سایر عملگرها خصوصاً "گیومه"، کلید واژه داخلی همچون MBTI, محیط یادگیری، ارتباط گرایی و سبک حرکت دانش، اشتراک گذاری دانش و یادگیری در دانشگاه فرهنگیان را مورد جستجوی دقیق قرار داد. در این جستجو مقالات داخلی در بازه ی زمانی دوازده ساله‌ی اخیر (۱۳۸۴-۱۳۹۶) و منابع لاتین نیز در بازه ی دوازده ساله ی اخیر (۲۰۰۵-۲۰۱۷) در قالب PDF به دست آمدند. علت انتخاب بازه‌ی دوازده ساله توسط محقق، تازه و نو بودن نظریه ارتباط گرایی می باشد؛ که جورج زیمنس آن را در سال ۲۰۰۵ ارائه داده است. تعداد مقالات و منابع به دست آمده در جست و جوی متون کتابخانه ای و



پایگاه های اینترنتی ۶۳ مورد بود، که از این تعداد ۳۰ مورد که ارتباط بیش تری با موضوع پژوهش داشتند، انتخاب شدند. معیار اصلی برای انتخاب مقالات و منابع گزینش شده، میزان توجه مقالات به تعریف تیپ‌های شخصیتی MBTI، محیط یادگیری، دانش از دیدگاه ارتباط‌گرایی، مبانی معرفت‌شناختی دانش و یادگیری در دانشگاه فرهنگیان، سبک حرکتی دانش در عصر دیجیتال و دانش ارتباطی بود. مقالاتی که تنها به بررسی عوامل مؤثر بر سبک دانش و یادگیری، ارزیابی عملکرد دانشگاه فرهنگیان، موانع به اشتراک گذاری دانش، بررسی یادگیری الکترونیکی و نقش آن بر خلاقیت دانشجویان پرداخته بودند؛ حذف گردیدند. پس از جمع آوری مقالات و منابع، محقق به مطالعه ی دقیق آن‌ها پرداخت و آن‌ها را بر حسب تأکیدشان بر ارائه ی تعریفی از دانش و یادگیری جهت متناسب کردن محیط یادگیری با تیپ‌های شخصیتی MBTI و با سبک حرکتی دانش در عصر دیجیتال برای ارتقاء کیفیت دانش و یادگیری طبقه بندی نمود. سپس اطلاعات مورد نیاز را استخراج کرد و پس از چندین بار ویرایش، آن‌ها را در قالبی منسجم با هدف بررسی و نقش نظریه‌ی ارتباط‌گرایی ضرورتی قابل تأمل جهت متناسب کردن محیط یادگیری با تیپ‌های شخصیتی MBTI در عصر دیجیتال ارائه داد.

### نتایج و بحث روی نتایج

یادگیری یکی از مهم ترین زمینه‌ها در روانشناسی امروز و درعین حال یکی از دشوارترین مفاهیم از نظر امکان تعریف شدن است. کیمبل یادگیری را به صورت « تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه که در نتیجه تمرین تقویت شده رخ می دهد.» تعریف کرده است (هرگنهان و همکاران، ۱۳۸۳). از دیدگاه ارتباط‌گرایی، یادگیری عبارت است از: فرآیند خلق گره‌ها و ارتباطات جدید. به عبارت دیگر، یادگیری فرآیند شکل‌دهی و شکل‌گیری شبکه هاست. ارتباط‌گرایی دیدگاهی است که دانش و شناخت را به شکل « توزیع شده » در سطح شبکه ای از افراد و فناوری‌ها می بیند و یادگیری را فرآیند ارتباط، رشد و رهیابی آن به شبکه‌های می‌داند. به زبان ساده تر، ایجادکردن گره‌ها، ارتباط دادن گره‌ها با یکدیگر و تشکیل شبکه ای از این گره‌ها و ارتباطات، یادگیری را ایجاد می‌کند. نکته ظریف این است که این تعریف، یادگیری را حاصل ارتباطات نمی‌داند؛ بلکه خود ارتباطات می‌داند (زارعی، ۱۳۹۳).

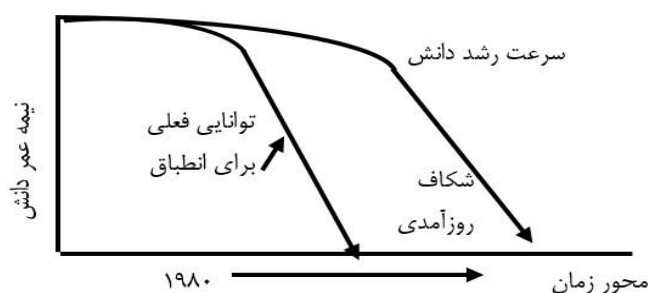


شکل ۱- زیست بوم یادگیری

در رویکرد ارتباط‌گرا به یادگیری ما شبکه‌هایی از دانش را خلق می‌کنیم تا به کمک آن محتوای جاری و روزآمد را جایگزین محتوایی بکنیم که تاریخ مصرف آن گذشته است (زیمنس، ۲۰۰۶). در فرآیند متناسب‌سازی محیط یادگیری با تیپ‌های شانزده‌گانه‌ی شخصیتی (MBTI) دانش‌آموزان نیز ما باید به دنبال دانشی باشیم که جاری، منعطف و پویا است. هدف از این دانش پر کردن ذهن نیست، بلکه باز کردن آن است. سازمان سنتی دانش کاملاً ایستاست؛ این در حالی است سازمان امروزی دانش متشکل از شبکه‌ها و زیست بوم‌های پویاست. طرز نگرش دانش‌آموزان و معلمان به نحوه ی دریافت و به کارگیری دانش از عوامل بسیار مؤثر به شمار می‌رود؛ به عبارت دیگر، درک نگرش دانش‌آموزان و معلمان نسبت به دانش ارتباطی می‌تواند به ایجاد فضای یادگیری مناسب تری منجر شود. در عصر حاضر با توسعه دسترسی به رایانه‌ها و اینترنت فرصت‌های جدیدی برای یادگیری به وجود آمده است. این فناوری‌ها به معلمان در کلاس درس امکان می‌دهد تا با به کارگیری



امکانات چندرسانه‌ای، تعاملی و شخصی سازی محیط یادگیری غنی و اثربخش برای یادگیرندگان فراهم سازند. مدارس هوشمند نیز باید فضایی برای ارتباط میان مربیان و متریان، جست و جوی دانش و تبادل اطلاعات، پرورش ایده‌ها، آزمون رویکردهای جدید و ایجاد آمادگی برای رقابت جدید باشد. بسیاری از فضاها اشتراکی - چه دیجیتالی و چه فیزیکی - از فقدان اختیار و گزینش رنج می‌برند (اسکندری، ۱۳۹۲). بنابراین نظریه یادگیری ارتباط‌گرایی به عنوان یک نظریه بالقوه که پاسخی است به نیروهای تغییر دهنده مرتبط با فناوری و جامعه دانشی، می‌تواند کاربرد بیش تری داشته باشد (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۹). تیپ شخصیتی عمدتاً به عنوان عامل تعیین کننده‌ای است در مورد این که افراد چگونه یاد می‌گیرند. به همین جهت در فرآیند متناسب سازی محیط یادگیری با تیپ‌های شانزده گانه‌ی شخصیتی (MBTI) دانش‌آموزان نیز با استفاده از تعریفی که از دانش در نظریه‌ی ارتباط‌گرایی ارائه می‌شود؛ می‌توان این شکاف روزآمدی در عصر حاضر را کم کرد و توانایی فرد را برای باقی ماندن در جریان رشد دانش افزایش داد.



شکل ۲- شکاف روزآمدی دانش

### نتیجه‌گیری

چشم انداز قرن بیست و یکم آشکارا وضعیت بی ثبات و سیال دانش را در عصر دیجیتال به ما نشان می‌دهد. با ظهور و فراگیر شدن رسانه‌های دیجیتال، شبکه‌ها و دنیای مجازی، شیوه‌های تولید و توزیع دانش، شیوه‌های اعتبارسنجی دانش و همچنین ویژگی‌های دانش دگرگون شده است؛ و این در حالی است که ذهنیات ما، ساختارهای مدارس ما و شیوه‌های یاددهی - یادگیری ما هنوز به عصر صنعتی تعلق دارد (زیمنس، ۲۰۰۶). بر اساس یافته‌های این پژوهش عمل بدون محدودیت مرزی (شبکه‌ها یا چارچوب‌ها)، بار شناختی زیادی به همراه دارد. از این رو برای معناسازی، به مهارت و ابزاری نیازمندیم که ما را با چگونگی جریان دانش امروز هماهنگ کند (زیمنس، ۲۰۰۶). در جهان امروز یکی از این ابزار هوشمند سازی مدارس است. که اگر در مبانی آن تعریفی درست از دانش متناسب با سرعت رشد آن داشته باشیم؛ می‌توانیم دانش آموزشی تربیت کنیم که توان باقی ماندن در این جریان سریع را داشته باشند. از یک نگاه کلی، دانش از لحاظ تاریخی به دو شکل تعریف یا طبقه بندی شده است: کیفی و کمی. ما نیازمند نوعی معرفت شناسی هستیم که شمول بیشتری داشته باشد و دیدگاه ما را نسبت دنیای امروز توسعه دهد. نویسنده مقاله معتقد است؛ متناسب کردن محیط یادگیری با تیپ‌های شخصیتی MBTI با استفاده از رویکرد ارتباط‌گرایی می‌تواند نقش مهمی در یادگیری دانش‌آموزان و افزایش توان افراد برای باقی در جریان رشد سریع دانش داشته باشد. بنابراین تعریفی که نظریه ارتباط‌گرایی جورج زیمنس از دانش و یادگیری می‌دهد؛ می‌تواند پاسخ گوی نیاز افراد در روند روبه رشد دانش باشد. در این نظریه، یادگیری عبارت است از فرایند خلق ارتباطات جدید و هر چه شبکه‌ها و ارتباطات از کیفیت بهتری برخوردار باشند، دانش با کیفیت بهتری به اشتراک گذاشته می‌شود. در نتیجه دانش «کجایی» و «کیستی» مهم تر از دانش چیستی و چگونگی است و دانش آن چیزی است که در شبکه‌ها مستقر می‌باشد. یافته‌های این پژوهش با نتایج به دست آمده از تحقیق محمودی و همکاران (۱۳۸۷)، آزاده فرزانه پور و همکاران (۱۳۹۳) و لیلی لجمیری و همکاران (۱۳۹۴) در رابطه با تأثیر نظریه‌ی ارتباط‌گرایی بر یادگیری همخوانی دارد؛ که فراهم نبودن زیرساخت‌های مورد نیاز از جمله زیرساخت‌های فنی (شبکه محلی، اتصال اینترنت، سخت افزار، رایانه شخصی، ایستگاه کاری، سرور) از چالش‌های مهم بر سر راه توسعه مدارس است.

بر همین اساس راه کارهایی که نگارنده مقاله پیشنهاد می‌دهد عبارت اند از:

- ایجاد شبکه‌ای بین مدارس، معلمان و دانش‌آموزان برای انتقال تجربه‌ها و کمک به روزآمدی دانش و یادگیری مدیران، معلمان و دانش‌آموزان در سرتاسر کشور است.

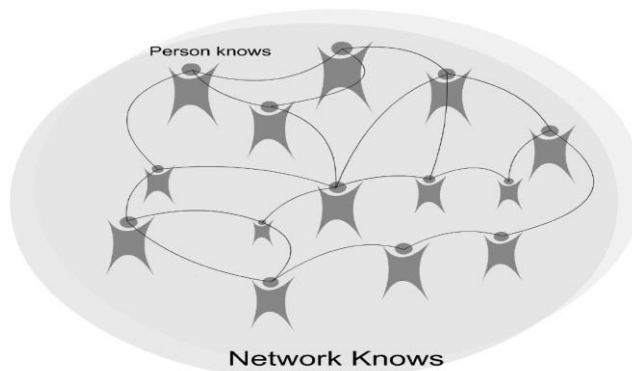
- تعیین سبک‌های یادگیری افراد و سپس منطبق کردن آموزش بر نقاط قوت هر فرد. از همین رو لازم است برای یادگیرندگان پرونده‌های شخصی

در دست شود.





- همچنین باید الگوهای جدید، مفاهیم جدید و بینش های جدیدی را درباره ی آن چه امکان تحقق دارد، بیاموزیم.
- ما هنوز از ابزارهایمان برای خدمت به وظایف قدیمی استفاده می کنیم؛ این در حالی است که باید متوجه تکالیف کاملا جدید باشیم.
- برای عمل کردن در دنیای جدید دانش، ما باید نیروی ارتباط ها را ببینیم- ارتباط گرایي و دانش ارتباطی، معناسازی، شناسایی الگو، قطعیت مطلق- مهارت های مورد نیاز ما هستند.



شکل ۳. فرد می داند در نتیجه شبکه می داند

هیچ راه حل و رویکرد واحدی نمی تواند برای همیشه درست باشد. عملکرد های ما باید بر اساس شناخت کامل از موقعیت پیش رو باشد، نه فقط بر اساس شناخت ما از راه حل های قالبی موجود. از محدودیت های این تحقیق، تازه بودن نظریه ارتباط گرایي، نبود زیرساخت مناسب و آشنایی کافی با این نظریه نو ظهور می باشد. در ادامه نویسنده پاره ای از پیشنهادات برای حرکت به سوی آینده ارائه می دهد: نخست این که به موازات حرکت جامعه به سوی پیچیدگی، ما در قبال تفکر، یادگیری و دانش، به یک رویکرد کل نگرانه و کامل نیازمندیم. دوم این که ما نیازمند نظم دهی مجدد نسبت به فضاها و ساختارهای مدارس غنی شده توسط فناوری هستیم؛ تا فرصت بیش تری برای ارتباط و هم آفرینی دانش داشته باشیم و در پایان انجام تحقیقات کمی جهت دستیابی به یک الگوی آموزشی متناسب با سبک های ارجح یادگیری بر اساس رویکرد ارتباط گرایي.

## مراجع

- اسکندری، حسین و همکاران، ارتباط گرایي در رقابت یا همسویی با دیگر نظریه های یادگیری، فصل نامه روانشناسی تربیتی، دوره پنجم، شماره پانزدهم، بهار ۱۳۸۹، ۶۴-۳۳.
- اسکندری، حسین، ۱۳۹۲، دانش و یادگیری، چاپ اول، تهران، انتشارات آوای نور.
- آهنگی، اکرم و همکاران، رابطه بین تیپ های شخصیت با سبکهای حل مسئله در کارکنان دانشگاه، فصلنامه روانشناسی کاربردی، دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸، ۶۱-۴۰.
- خشنودی فر، مهرنوش، ۱۳۹۳، یادگیری الکترونیکی مقدمه ای بر مبانی تعلیم و تربیت، چاپ اول، تهران، انتشارات آوای نور.
- رضایی راد و همکاران (۱۳۹۱). شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر هوشمند سازی مدارس. فصل نامه علوم تربیتی، ۹ (۳۶)، ۱۲۰-۱۰۹.
- زارعی، عیسی، دانش و یادگیری: مبانی نظریه ارتباط گرایي، فصلنامه نقد کتاب، دوره اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳، ۱۵۲-۱۴۱.
- زمانی و همکاران (۱۳۸۹). بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدهای فناوری مدارس هوشمند. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۹ (۳۶)، ۱۰۰-۷۹. زمانی، بی بی عشرت؛ قصاب پور، بیتا و جیل عاملی، جلال (۱۳۸۹). بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدهای فراروی مدارس هوشمند. فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۳۶، سال نهم، ۱۰۰-۷۹.
- فرزان پور، آزاده؛ نعمت الله موسی پور و عبدالامیر طیب طاهر، ۱۳۹۳، معرفی نظریه ارتباط گرایي و ارایه الگوی طراحی آموزشی متناسب با آن، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، موسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، [https://www.civilica.com/Paper-EPSCONF01-EPSCONF01\\_626.html](https://www.civilica.com/Paper-EPSCONF01-EPSCONF01_626.html)
- لجمیری، لیلی، ۱۳۹۴، تاثیر استفاده از ابزارهای ارتباطی مبتنی بر نظریه ارتباط گرایي بر پیشرفت تحصیلی و میزان درگیری یادگیرنده، کنفرانس بین المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی، استانبول، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا، [https://www.civilica.com/Paper-RSTCONF01-RSTCONF01\\_374.html](https://www.civilica.com/Paper-RSTCONF01-RSTCONF01_374.html)
- محمودی و همکاران (۱۳۸۷). بررسی چالش های توسعه مدارس هوشمند در کشور. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۷ (۲۷)، ۸۷-۶۱.
- هرگنهان و همکاران (۱۳۸۳). مقدمه ای بر نظریه های یادگیری. ترجمه ی علی اکبر سیف. تهران: نشر داوران.
- هوشمندسازی مدارس. (۱۳۹۰). راهبرد تحولی وزارت آموزش و پرورش در توسعه و فناوری اطلاعات.



Koponen, E. (2008). The development implementation and use of learning. *Critical computer sciences*, 32(3), 117-126.  
Siemens, G. (2006). *Knowing Knowledge*. [knowingknowledge.com](http://knowingknowledge.com).

## Connectivism theory a noteworthy necessity for proportion learning environment and MBTI Personality type

Mehdi Attar, Zahra Yaraei, Maryam Kargar

Department of Psychology, Faculty of Educational , University of Islamic Azad, Dezful, Iran,  
E-mail: mehdiattar13722@gmail.com  
Teacher, E-mail: mehdiattar13722@gmail.com  
Teacher, E-mail: mehdiattar13722@gmail.com

**Abstract.** Humanity is on an ever-lasting quest to understand. We connect more than we construct. Our educational spaces and structures need to be aligned with our new understanding of knowledge and the manner in which it moves, flows, and behaves. The purpose of this paper is to examine and analyze the role of connectivism theory. Connectivism theory a noteworthy necessity for proportion Learning environment and MBTI Personality type, which in recent years has been accepted by scholars. The research method was a systematic review and the authors analyzed the subject by citing library resources and reputable databases. The results showed that we need a new insight that is in harmony with today's knowledge. The prerequisite for continued growth and innovation is connection; hence, the connectivism theory has an important role for proportion Learning environment and MBTI Personality type in our country.

**Keywords:** Connectivism; MBTI personality type, environment of learning, Network knowledge.